

## دکترین «حمایت برابر»: تزلزل در اصل «تفکیک» در نظام مسئولیت بین‌المللی سازمان‌ها

نرگس قدیری \*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

حوریه حسینی اکبرنژاد

استادیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

### چکیده

شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی مستقل از اعضای آن‌ها است. بر اساس اصل تفکیک مسئولیت در حقوق بین‌الملل، سازمان در قبال اعمال متخلفانه‌اش مسئول شناخته می‌شود و دولت‌ها به صرف عضویت در سازمان مسئولیتی ندارند. با وجود این، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر خصوصاً در پرونده بسفروس از جهت تخدیش اصل کلاسیک تفکیک مسئولیت سازمان از اعضا می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در این پرونده، دیوان اروپایی حقوق بشر به دنبال مشخص کردن این مسأله بود که چه زمانی دولت‌های عضو مسئول اعمال انجام شده تحت لوای اتحادیه اروپا هستند. دکترین حمایت برابر که در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و به طور خاص در پرونده بسفروس مطرح شده، موجب تزلزل اصل تفکیک شخصیت و مسئولیت سازمان بین‌المللی شده است و استثنایی بر آن وارد می‌کند. به موجب این دکترین، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در صورتی که در راستای ایفای وظایف خود در قبال سازمان و در راستای اجرای تصمیمات سازمان، از تحقق حقوق بنیادین بشر در سطحی برابر با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حمایت نکرده باشند، متحمل مسئولیت بین‌المللی خواهند شد. بعبارت دیگر زمانی که یک دولت صلاحیت خود را به یک سازمان منتقل می‌کند ضروری است که اجرای سایر تعهدات بین‌المللی خود را تضمین کند. در این مقاله سعی شده است با توجه به کارکرد دکترین حمایت برابر در ساختار چند وجهی اتحادیه اروپا، نحوه نظارت دیوان اروپایی حقوق بشر بر عملکرد اتحادیه اروپا در حوزه حقوق بشر، مورد ارزیابی قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت سازمان بین‌المللی، اصل تفکیک، دیوان اروپایی حقوق بشر،

پرونده بسفروس.

## مقدمه

بر اساس نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، دولت‌ها به صرف عضویت در یک سازمان بین‌المللی، مسئول اعمال ارتکاب یافته از سوی سازمان نیستند. در صورتی یک دولت عضو متحمل مسئولیت خواهد شد که فراتر از عضویت در سازمان با اقداماتی به صورت فعل یا ترک فعل در ارتکاب عمل متخلفانه و یا در نقض تعهد دخالت داشته باشد.<sup>۱</sup> اصل تفکیک مسئولیت سازمان بین‌المللی از اعضای آن، به حفظ شخصیت حقوقی مستقل سازمان کمک می‌کند و از هر نوع دخالت احتمالی از سوی اعضا در عملکرد سازمان جلوگیری می‌کند. با این حال، این اصل در برخی موارد راهگشا نیست و مشکلات و ابهامات موجود را برطرف نمی‌سازد. برای مثال ممکن است عمل ارتکاب یافته از سوی دولت عضو اما با دستور سازمان و به موجب مقررات آن بوده باشد و تصمیمات سازمان توسط دولت عضو به اجرا درآید. در این موارد حقوقدانان به قاعده «اعمال صلاحید» استناد کرده‌اند. به عبارت دیگر در این موارد، در صورتی که مقامات دولت عضو بطور قانونی ناچار به اجرای تصمیمات سازمان باشند و راه دیگری برای آن‌ها وجود نداشته باشد، سازمان به تنهایی مسئول آن عمل ارتکابی خواهد بود.<sup>۲</sup>

در چنین شرایطی تفکیک مسئولیت سازمان از مسئولیت اعضای آن دشوار است. در همین راستا، این دغدغه وجود دارد که در عمل، استناد به اصل تفکیک موجب شود که سازمان‌های بین‌المللی به مثابه یک چتر جهت پوشش نهادن بر نقض‌های ارتکاب یافته توسط دولت‌ها قلمداد شوند. در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، این مهم مورد توجه قرار گرفته است؛ با توجه به برخی ضرورت‌های عملی موجود، دیوان اروپایی حقوق بشر در رویه پیشگامانه خود سعی کرده است از قواعد کلاسیک حقوق سازمان‌های بین‌المللی از جمله اصل تفکیک مطلق مسئولیت سازمان از دولت‌های عضو فاصله بگیرد و با لحاظ نمودن و مبنا قرار دادن غایت و هدف نظام حقوق بین‌الملل بشر که حمایت از «فرد» است، درصدد نهادینه کردن مسئولیت توأمان برای سازمان‌ها و دولت‌های عضو در قبال

---

۱. سید فضل‌الله موسوی و ناصر خداپرست، «مسئولیت اعضای سازمان‌های بین‌المللی در پرتو طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۴، (۱۳۹۲)، ص ۱۷۹.

۲. سید قاسم زمانی، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ سوم (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵) ص ۳۴۸.

نقض‌های ارتكابی بریاید. دیوان در پرونده بسفروس با استناد به دکترین «حمایت برابر» اصل تفکیک مسئولیت سازمان از اعضا را متزلزل کرده است. با وجود این، این رویکرد دیوان موجب نگرانی برخی از حقوقدانان شده است، زیرا در عمل منجر به تخدیش استقلال شخصیت حقوقی سازمان از اعضا می‌شود. دیوان اروپایی حقوق بشر در بسیاری از پرونده‌ها تصریح کرده است که وقتی یک دولت متعهد به کنوانسیون حقوق بشر، یک سازمان بین‌المللی تاسیس می‌کند، از مسئولیت و تعهداتش تحت کنوانسیون (در ارتباط با فعالیت انتقال یافته به سازمان) معاف نمی‌شود.<sup>۱</sup>

در پرونده بسفروس ما با مفهوم جدیدی به نام دکترین حمایت برابر مواجه هستیم، این دکترین به این معنا است که دولت عضو با عضویت در یک سازمان بین‌المللی، تحت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از مسئولیت خود معاف نیست. عبارتی، وقتی صلاحیت به یک سازمان بین‌المللی منتقل می‌شود، مسئولیت دولت برای تامین حقوقی که مورد حمایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است، تداوم می‌یابد.

#### ۱. تأثیر رشد و توسعه حقوق بشر بر تحول حقوق سازمان‌های بین‌المللی و حقوق مسئولیت بین‌المللی

بی‌تردید حقوق بشر یکی از مهم‌ترین شاخه‌های حقوق است که امروزه جایگاه خاصی در حقوق بین‌الملل دارد. در گذشته، مقوله حقوق بشر محدود به صلاحیت داخلی دولت‌ها بود اما امروزه نقش حقوق بشر در چهارچوب ساز و کارها و راهکارهای بین‌المللی پررنگ‌تر شده است.<sup>۲</sup> از هنگامی که حقوق بشر به یک تعهد بین‌المللی تبدیل شده است؛ هر شخص، دولت و یا سازمانی که آن را نقض کند، مرتکب عمل نامشروع شده و ممکن است متحمل مسئولیت بین‌المللی شود.<sup>۳</sup>

1. Ryngaert, "The Responsibility of Member States in Connection with Acts of International Organizations: Assessing the Recent Case Law of the European Court of Human Rights", *International and Comparative Law Quarterly*, Volume 60, (2011), Issue 4 at 999.

۲. کریستیان تاموشات، حقوق بشر، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، چاپ دوم (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۱) ص ۳۹.

۳. خوزه جیل آمپاروسان، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق»، ابراهیم بیگ‌زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره‌های ۲۹-۳۰، (۱۳۷۹)، ص ۲۵۷.

امروزه حمایت بین‌المللی از حقوق بشر به واسطه عملکرد نهادهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی، اسناد حقوقی و قانونی و روبه قضایی بین‌المللی به مقوله مهمی در حقوق بین‌الملل تبدیل شده که موجب تغییر و تحول حقوق سازمان‌های بین‌المللی و حقوق مسئولیت بین‌المللی شده است. برای مثال در همین راستا می‌توان به عملکرد مثبت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی حقوق بشری اشاره کرد که بر پایبندی دولت‌ها به تعهدات حقوق بشری نظارت می‌کنند.<sup>۱</sup>

بخشی از تعهدات حقوق بشری در سطح بین‌المللی جزء قواعد آمره هستند که تخطی از آن‌ها با انعقاد یک معاهده امکان‌پذیر نیست. چنین تعهداتی در جهت حفظ منفعت حقوقی تمام دولت‌ها ایجاد شده‌اند و نقض قواعد این چنینی که ماهیت آمره دارند نه تنها برای دولت مرتکب، مسئولیت ایجاد می‌کند بلکه می‌تواند برای سایر دولت‌ها نیز نتایج جانی داشته باشد.<sup>۲</sup> در نتیجه چنین تعهداتی در نظام حقوقی مسئولیت دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. در همین راستا در مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز به مساله نقص تعهد ناشی از قواعد آمره توسط دولت‌ها اشاره شده است.

رشد حقوق بشر و ایجاد نهادهای دولتی و غیر دولتی بین‌المللی که به طور مداوم و به شکلی سخت‌گیرانه بر اجرای این حقوق توسط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نظارت دارند، موجب شده است که دولت‌ها در زمان ایجاد سازمان‌های بین‌المللی توجه بیشتری به حقوق بشر داشته باشند و با در نظر گرفتن قواعد بنیادین حقوق بشر در اساسنامه سازمان و ایجاد ساز و کارهای داخلی و خارجی برای نظارت بر اجرای حقوق بشر در سازمان، حسن نیت خود را در سطح بین‌المللی نشان دهند و تلاش کنند تا مورد سوء ظن قرار نگیرند.<sup>۳</sup> با وجود این در برخی موارد، اجرای قواعد حقوق بشری در سازمان‌های

۱. پوریا عسکری و نیلوفر سعیدی، «سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و نظارت بر اجرای حقوق بشر با تاکید بر عفو بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵، (۱۳۹۵)، ص ۵۳.

۲. کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، چاپ نهم (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۹۶) ص ۲۴۰.

3. Olivier De Schutter, *Human Rights and the Rise of International Organizations: The Logic of Sliding Scales in the Law International Responsibility, Accountability*

بین‌المللی با سایر الزامات و تعهدات قانونی این سازمان‌ها و اعضای آنها هم‌سو نیست و در نتیجه منجر به بروز مشکلاتی می‌شود که ممکن است سازمان و دولت عضو را متحمل مسئولیت بین‌المللی نماید.

## ۲. مبانی کلاسیک مسئولیت مبتنی بر اصل تفکیک

کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ طرح پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها را ارائه کرد و پس از آن بررسی مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داد و در نهایت در سال ۲۰۱۱ طرح مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی را در ۶۷ ماده تنظیم کرد. در طرح مسئولیت دولت‌ها، کمیسیون در ماده ۲ طرح پیش‌نویس، در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بر دو عنصر قابلیت انتساب عمل و نقض تعهد بین‌المللی تاکید کرده است. بر اساس نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش‌نویس طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌های عضو یک سازمان ممکن است از طریق انجام برخی اعمال، متحمل مسئولیت بین‌المللی شوند. بر همین اساس در صورتی که دولت‌های عضو به همراه سازمان در عنصر مادی فعل متخلفانه به شکل مباشرت و یا معاونت درگیر شوند، مسئول شناخته می‌شوند. موضوع نحوه تسهیم و تقسیم مسئولیت میان سازمان‌های بین‌المللی و اعضا از جمله موضوعاتی است که خصوصاً در دهه اخیر مورد توجه دکتربین قرار گرفته است و ایده و نظریات مختلفی در ارتباط با آن مطرح شده است.<sup>۱</sup> بی‌تردید سازمان‌های بین‌المللی به موجب شخصیت حقوقی خود می‌توانند موضوع مسئولیت قرار گیرند.<sup>۲</sup> بر اساس اصل تفکیک؛ دولت‌ها به صرف عضویت در سازمان، مسئولیتی در قبال اعمال سازمان ندارند.<sup>۳</sup> سازمان‌ها مسئولیت اعمال و اقدامات غیرقانونی را که با قدرت و

---

*for Human Rights Violations by International Organizations*, (Portland: Intersentia Publishing, 2010) at 129.

1. Nikolaos Voulgaris, *Allocating International Responsibility between Member States and International Organizations* (UK: Hart Publishing, 2019) at 111.

2. C. F. Amerasinghe, *Principles of the Institutional Law of International Organizations*, Second Revised Edition (UK: Cambridge University Press, 2005) at 399.

۳. زمانی، همان ص ۳۲۹.

کنترل خودشان انجام می‌دهند، دارند و دولت‌ها نیز مسئول اعمال ارتكابی خود هستند.<sup>۱</sup> در خصوص مسئولیت اعضای سازمان‌های بین‌المللی در قبال اقدامات متخلفانه سازمان، نظرات متفاوتی ارائه شده است. به طور خلاصه چهار دیدگاه قابل توجه است: ۱- مسئولیت اعضای سازمان در قبال اقدامات سازمان؛ ۲- انفکاک و استقلال شخصیت حقوقی سازمان از اعضا و مسئولیت سازمان در قبال اعمال خود؛ ۳- مسئولیت تضامنی سازمان و اعضای آن و ۴- مسئولیت اصلی سازمان و مسئولیت فرعی اعضا.<sup>۲</sup> البته شایان ذکر است که صرفنظر از دکتین، رویه دولت‌ها از دیرباز تقریباً در این امر منسجم بوده و در مقایسه با سایر عرصه‌ها، تشتت کمتری داشته و اصل تفکیک همواره مبنا قرار گرفته است.<sup>۳</sup> به طور نمونه در قبال اقدامات نیروهای حافظ صلح ملل متحد که منجر به ارتكاب تخلفات بین‌المللی شده است، در عمل عمدتاً مسئولیت سازمان ملل مطرح می‌شود و دولت‌ها تمایلی به پذیرش مسئولیت در قبال اقدامات نیروهای حافظ صلح اعزامی ندارند.<sup>۴</sup>

### ۳. چالش‌های اصل «تفکیک» در رویه بین‌المللی معاصر: تعارض میان نظام تحریم‌ها و تعهدات حقوق بشری دولت‌ها

علی‌رغم اهمیت استقلال سازمان و شخصیت جداگانه آن از اعضا، اصل تفکیک خصوصاً در دهه‌های اخیر با چالش‌ها و معضلات جدی مواجه شده است. یکی از

---

۱. بر اساس نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل؛ در پیش‌نویس طرح مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌های عضو یک سازمان ممکن است از طریق انجام برخی اعمال متحمل مسئولیت بین‌المللی شوند، کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۵۸ تا ۶۲ طرح مسئولیت سازمان‌ها به این اعمال اشاره کرده است. برخی از این اعمال که در صورت وقوع از سوی دولت‌های عضو یک سازمان بین‌المللی موجب مسئولیت آنها می‌شود عبارتند از: کمک یا مساعدت به سازمان، هدایت و کنترل سازمان، اجبار سازمان، فرار از تعهدات بین‌المللی به روش فریب سازمان، پذیرش مسئولیت عمل متخلفانه بین‌المللی سازمان از سوی یک کشور عضو.

۲. زمانی، همان ص ۳۲۶.

3. Gerard Conway, "Breaches of EC Law and the International Responsibility of Member States", *European Journal of International Law*, Vol. 13, No. 3, (2002), at 682.

4. Peter Rowe, "United Nations Peacekeepers and Human Rights Violations: The Role of Military Discipline", *Harvard International Law Journal*, Vol. 51, (2010), at 75.

چالش‌های اصل تفکیک، زمانی قابل مشاهده است که دولت‌های عضو سازمان با تحریم‌های شورای امنیت که در تعارض با تعهدات حقوق بشری است، مواجه شوند.<sup>۱</sup> برای مثال اتحادیه اروپا عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیست اما دولت‌های عضو آن متعهد به این کنوانسیون هستند.<sup>۲</sup> لازم به ذکر است که تعارض در حقوق بین‌الملل می‌تواند به صورت تعارض عمودی یا افقی باشد. تعارض عمودی که تعارض سیستماتیک نیز خوانده می‌شود، میان دو نظام حقوقی بروز می‌کند. اما تعارض افقی میان قواعد و هنجارهای موجود در یک نظام حقوقی قابل طرح است.<sup>۳</sup> زمانی که شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت تحریمی وضع کند که برخلاف حقوق بشر باشد میان این دو نظام تعارض عمودی یا سیستماتیک ایجاد می‌شود.<sup>۴</sup>

نقض حقوق بشر به واسطه تحریم‌ها، موجب طرح مباحث بسیاری در حقوق بین‌الملل شده است. تحریم‌ها می‌تواند به حقوقی مانند حق حیات، حق برخورداری از زندگی مناسب، حق سلامت و بهداشت، حق آموزش و حق توسعه لطمه وارد سازد. حق توسعه حقی غیر قابل سلب است که به موجب آن انسان‌ها حق مشارکت در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و حق بهره‌مندی از این توسعه و برخورداری از تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را دارند.<sup>۵</sup> این حق یکی از مهمترین حقوق افراد است که با وضع تحریم‌های سخت‌گیرانه شورای امنیت اجرای آن به خطر می‌افتد.

پرسش مورد بحث در اینجا این است که در صورت تعارض میان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با حقوق بنیادین بشر، دولت‌ها باید چگونه اقدام نمایند؟ بر طبق ماده ۱۰۳ منشور، در صورت تعارض تعهدات دولت‌های عضو ملل متحد بر طبق منشور با سایر

1. S. Peers, "The EU's Accession to the ECHR: The Dream Becomes a Nightmare", German Law Journal, Vol. 1, (2016), at 222.

2. D. Halberstam, "It's the Autonomy, Stupid! A Modest Defense of Opinion 2/13 on EU Accession to the ECHR, and the Way Forward", German Law Journal, Vol. 1, (2016), at 146.

۳. حوریه حسینی اکبرنژاد، شیوه‌های حل تعارض قواعد در حقوق بین‌الملل در پرتو سلسله مراتب هنجاری (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۵) صفحه ۱۴۰.

4. Alexander Orakhelashvili, "The Impact of Peremptory Norms on the Interpretation and Application of United Nations Security Council Resolutions", The European Journal of International Law, Vol. 16, No.1, (2005), at 69.

۵. فریده شایگان، حتی توسعه (تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸) ص ۱۳.

تعهدات آنها بر اساس سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی، تعهدات آنها بر طبق منشور از اولویت برخوردار است. از سوی دیگر شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، مقید به رعایت قواعد منشور و موازین حقوق بین‌الملل است و لزوم احترام به حقوق بشر در منشور مورد تاکید قرار گرفته است و جزء قواعد حقوق بین‌الملل است. در نتیجه شورای امنیت نمی‌تواند به بهانه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی حقوق بشر را پایمال کند.<sup>۱</sup> برتری و اولویت تعهدات ناشی از منشور در برگیرنده تعهدات حقوق بشری دولت‌ها نیز خواهد بود. بخش کوچکی از این تعهدات حقوق بشری، جزء قواعد آمره هستند که در صورت تعارض قواعد آمره با ماده ۱۰۳ منشور، قواعد آمره برتری دارند. اما سایر حقوق بین‌الملل بشر، قواعد آمره نیستند و ممکن است بر اثر اجرای تحریم از سوی سازمان ملل تحت فشار قرار بگیرند.

بنابراین، اجرای تحریم‌های شورای امنیت باید به نحوی صورت گیرد که به تعهدات حقوق بشری و نظم حقوقی حاکم در جامعه اروپا آسیبی وارد نسازد.<sup>۲</sup> زمانی که یک دولت عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر عضو اتحادیه اروپا است و با الزام به اجرای تحریم‌های شورای امنیت که در تعارض با تعهدات حقوق بشری این دولت است روبرو می‌شود، در صورتی که نتواند اجرای دستورات سازمان و تحریم‌های شورای امنیت را در راستای حقوق بنیادین بشر ذکر شده در کنوانسیون اجرا کند، ممکن است بر طبق کنوانسیون متحمل مسئولیت شود. چرا که از یک سو باید در جهت همکاری اتحادیه اروپا با شورای امنیت گام بردارد و از سوی دیگر نباید تعهدات حقوق بشری خود را زیر پا بگذارد.<sup>۳</sup> در چنین حالتی اگر اجبار به اجرای تحریم‌ها به دلیل عضویت این دولت در اتحادیه اروپا یا هر سازمان دیگری باشد، تفکیک و تمیز مسئولیت سازمان از دولت عضو آن امری پیچیده و دشوار خواهد بود. در نتیجه در چنین موقعیت‌های مشابهی اصل تفکیک تاحدودی به بن‌بست عملی می‌رسد و باید برای عبور از پیچیدگی‌های موجود به

۱. سید قاسم زمانی و جعفر زنگنه شهرکی، «تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت حقوقی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۷، (۱۳۹۲)، ص ۴۵.

۲. سید قاسم زمانی و حوریه حسینی اکبرنژاد، «افول دکترین نامحدود بودن اختیارات شورای امنیت در آئینه عروج دیوان بین‌المللی دادگستری اروپا»، حقوق تطبیقی، شماره ۲، (۱۳۹۴)، ص ۱۷۳.

3. Ramses A. Wessel, Jed Odermatt, *Research Handbook on the European Union and International Organizations* (UK: Edward Elgar Publishing, 2019) at 6.



سراغ راه‌حل‌های دیگر رفت. استفاده از دکترین حمایت برابر می‌تواند در حل مشکلات و ابهامات ناشی از چنین شرایطی راهگشا باشد. یکی از مهم‌ترین آرای دیوان اروپایی حقوق بشر که در آن به مفهوم دکترین حمایت برابر توجه شده و از آن بعنوان راهکاری برای خروج از بن‌بست‌های عملی اصل تفکیک مسئولیت سازمان بین‌المللی از اعضا استفاده شده است، رای بسفروس است. معیار دکترین حمایت برابر در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر بارها مورد اشاره قرار گرفته است. با این حال در پرونده بسفروس به طور خاص از این معیار استفاده شده است و دیوان اروپایی حقوق بشر با استناد به این دکترین، بخوبی چارچوب‌ها و حدود مسئولیت سازمان بین‌المللی و دولت عضو آن را تعیین کرده است.

#### ۴. دکترین «حمایت برابر» در پرونده بسفروس

این پرونده با یک دادخواست توسط شرکت خطوط هوایی ثبت شده در ترکیه به نام شرکت بسفروس علیه کشور ایرلند آغاز شد. شرکت هواپیمایی بسفروس در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۹۲ از هواپیمایی ملی یوگسلاوی سابق هواپیما اجاره کرد. با توجه به شرایط اجاره، خدمه هواپیما باید از کارمندان شرکت خواهان می‌بودند و شرکت خواهان، کنترل‌کننده و تعیین‌کننده مقصد هواپیما بود.<sup>۱</sup> پس از آن شرکت خواهان، هواپیمای اجاره شده را برای تعمیر توسط یک شرکت ایرلندی به کشور ایرلند منتقل کرد. در ماه مه سال ۱۹۹۳ این هواپیما توسط کشور ایرلند به دستور وزیر حمل و نقل ایرلند با استناد به مقررات ۹۹۰/۹۳ شورای اروپا که در راستای رژیم تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی (صربستان و مونته‌نگرو) بود، توقیف شد و اجازه داده نشد که هواپیما خاک ایرلند را ترک کند.<sup>۲</sup> شرکت بسفروس (شرکت خواهان) در درخواست خود ادعا کرد که توقیف هواپیمای اجاره‌ای او توسط دولت خواننده (ایرلند) حقوق او را طبق ماده

---

1. Ecthr, Bosphorus Hava Yollari Turizm Ve Ticaret Anonim Şirketi v. Ireland (Application no. 45036/98) Judgment Strasbourg 30 June 2005, p 3.

۲. از سال ۱۹۹۱ به طور مداوم یک سلسله تحریم‌ها علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی (صربستان و مونته‌نگرو) برای رسیدگی به درگیری‌های مسلحانه و نقض حقوق بشر در این منطقه، توسط سازمان ملل متحد تصویب شده و جامعه اروپا آن را اجرا کرده است.

۱ پروتکل شماره ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض کرده است.<sup>۱</sup> این درخواست به کمیسیون اروپایی حقوق بشر در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۹۷ ارائه و در تاریخ ۱ نوامبر ۱۹۹۸، به دیوان منتقل شد.<sup>۲</sup> جلسه دادرسی در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۴ در ساختمان حقوق بشر در استراسبورگ برگزار شد.

شرکت خواهان معتقد بود که شیوه‌ای که ایرلند با توقیف هواپیمای او رژیم تحریم‌ها را اعمال کرده، موجب نقض ماده ۱ کنوانسیون و نقض ماده ۱ پروتکل شماره ۱ شده است و دولت ایرلند، این هواپیما را به شکل یک اقدام پیشگیرانه بدون مجوز واضح از سازمان ملل یا شورای اروپا توقیف کرده است. شرکت خواهان اظهار کرد که این اعمال اختیار از سوی مقامات ایرلند باید توسط دیوان اروپایی حقوق بشر از جهت سازگاری با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بررسی شود. زیرا علی‌رغم آنکه بر طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر انتقال صلاحیت به سازمان‌های بین‌المللی قابل قبول است، با این حال دولت باید ضمن انتقال صلاحیت، شخصا نیز به حفظ حقوق کنوانسیون پافشاری کند. در حقیقت شرکت خواهان معتقد بود که دولت ایرلند بررسی‌های کافی را در جهت تطبیق اقدامات اتخاذ شده با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر انجام نداده و در نتیجه حمایت برابر محقق نشده است.<sup>۳</sup>

بر اساس نظر دولت ایرلند، کنوانسیون باید به نحوی تفسیر شود که مانع اجرای تعهدات بین‌المللی کشورهای عضو نشود و سدی در مقابل گسترش همکاری بین‌المللی نباشد. دولت ایرلند معتقد بود که توقیف هواپیما با حفظ دو منفعت عمومی همراه بوده است: ۱- اصول حقوق بین‌الملل عمومی، از جمله اصل لزوم وفای به عهد<sup>۴</sup> که طبق آن

---

۱. بر اساس ماده ۱ پروتکل شماره ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هر شخص حقیقی و حقوقی می‌تواند از اموال خود استفاده صلح‌جویانه داشته باشد و هیچکس نباید از مالکیت اموال خود منع شود مگر در جهت منافع عمومی و قانون و اصول کلی حقوق بین‌الملل.

۲. بر طبق ماده ۳۵ کنوانسیون در خصوص قابلیت طرح دعوا و شرایط پذیرش یک دادخواست و استماع آن، دادگاه زمانی که دادخواهی در سطح ملی در کشور عضو به نتیجه نرسیده باشد، می‌تواند بر اساس قوانین عمومی به رسمیت شناخته شده قانون بین‌المللی و در فاصله زمانی شش ماه پس از زمانی که تصمیم نهایی در سطح ملی گرفته شده باشد، به مسئله رسیدگی کند.

3. op.cit. at p 30.

4. Pacta sunt servanda.

دولت به دنبال تصمیمات مربوطه سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا (کمیته تحریم‌ها دیوان دادگستری اروپا) از تعهدات بین‌المللی الزامی بری‌الذمه می‌شود. ۲- مشارکت در تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به یک درگیری.

دیوان اروپایی حقوق بشر به بررسی این مساله پرداخت که آیا ایرلند در برآوردن الزامات اتحادیه اروپا هماهنگ با تعهداتش در برابر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اقدام کرده است؟ پس از بررسی رژیم قانونی اتحادیه اروپا، دیوان اروپایی حقوق بشر اذعان کرد که در جامعه اروپایی از حقوق بشر حمایت و حفاظت شده است و قواعد حقوق بشری ذکر شده در کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته و در نتیجه معیار حمایت برابر محقق شده است. دیوان اظهار کرد که ایرلند صرفاً به وظایف قانونی خود ناشی از عضویت در جامعه اروپا و به طور خاص اجرای ماده ۸ مقررات ۹۹۰/۹۳ شورای اروپا عمل کرده است. در نتیجه ایرلند از تعهدات خود مربوط به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در زمان اجرای تعهدات قانونی به دنبال عضویت در اتحادیه اروپا فاصله نگرفته است و توقیف هواپیما موجب نقض ماده ۱ پروتکل شماره ۱ کنوانسیون نشده است.<sup>۱</sup>

در نظر دادگاه، اقدام یک دولت در راستای اجرای تعهدات قانونی‌اش زمانی قابل توجیه است که سازمان مربوطه، حمایت از حقوق اساسی و مکانیسم‌های کنترل رعایت آنها را به طریقی حداقل معادل و برابر با آنچه که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ارائه می‌دهد، مدنظر قرار داده باشد. منظور دادگاه از بیان اصطلاح "برابر" به معنای "قابل مقایسه" است. نیازی نیست که حمایت‌هایی کاملاً یکسان با کنوانسیون و یا بیشتر از آن ارائه دهد. صرف تلاش سازمان و مشابهت در این حمایت‌ها کفایت خواهد کرد.<sup>۲</sup> لازم بذکر است که چنین معیارهایی برای برابری نمی‌تواند نهایی باشد و در هر پرونده به صورت موردی قابل بررسی خواهد بود. همواره تأکید شده است که در هنگام اجرای قانون اتحادیه اروپا، کشورهای متعاقد باید همچنان از تعهدات خود که ناشی از عضویت در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است با توجه به دکترین حمایت برابر پیروی کنند. اگر چنین حمایت برابری توسط سازمان تامین شده باشد، فرض بر این است که کشور متعاقد

1. op.cit. at p 32.

2. Paul De Hert and Fisnik Korenica, "The Doctrine of Equivalent Protection: Its Life and Legitimacy Before and After the European Union's Accession to the European Convention on Human Rights", German Law Journal, Vol. 13, No.7, (2012), at 883.

تا جایی که اقدامش چیزی بیشتر از اجرای وظایف قانونی ناشی از عضویت در سازمان نباشد، از الزامات کنوانسیون دور نشده است. با انجام این کار، دادگاه به کشورهای عضو اتحادیه اروپا زمانی که قوانین اتحادیه اروپا را اجرا می‌کنند، در صورتی که "بیش از وظایف قانونی ناشی از عضویت در سازمان کاری انجام ندهد" مصونیت می‌دهد. با این حال اگر در یک پرونده خاص، تشخیص داده شود که حمایت از حقوق کنوانسیون به طور آشکار ناقص بوده است، پیش فرض حمایت برابر قابل قبول نخواهد بود.<sup>۱</sup>

##### ۵. دکترین «حمایت برابر» در سایر پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر

علی‌رغم اینکه همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ملحق شده‌اند، تا به امروز اتحادیه اروپا هنوز به عضویت این کنوانسیون درنیامده است.<sup>۲</sup> با وجود این، دیوان دادگستری اروپا همواره در رویه خود به این کنوانسیون استناد کرده است و متقابلاً پرونده‌های مرتبط با اعمال اتحادیه نیز به طور مکرر در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شده‌اند.<sup>۳</sup> رای بسفروس نشانه یک همکاری در حفاظت از حقوق بنیادین در ساختار چندسطحی نظم قانونی اروپا است. این رای توجه ما را به سمت این واقعیت می‌برد که سوال در مورد چگونگی حفاظت از حقوق بنیادین در اتحادیه اروپا نمی‌تواند با رابطه دوجانبه و دوقطبی اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن پاسخ داده شود. بلکه پاسخ باید درون یک مثلث نهادی و سازمانی با مشارکت دیوان اروپایی حقوق بشر یافت شود.<sup>۴</sup> این پرونده به دیوان اروپایی حقوق بشر این فرصت را داد که نقش خود را برای مرور و بررسی اعمال جامعه به طور سیستماتیک، مشخص و تعیین کند. علاوه بر این، دادگاه را به تصمیم‌گیری سیاسی با توجه به چارچوب جامعه اروپا و شورای اروپا ملزم کرد.<sup>۵</sup> کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مسئولیت‌های جداگانه‌ای دارند؛ آنها باید

1. Ibid. p.886.

۲. سید محمدعلی تقوی، «رژیم حقوق بشر در اتحادیه اروپایی؛ عدم شمولیت و یکپارچگی»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال دوم، پاییز و زمستان، شماره ۱، (۱۳۹۲)، ص ۳۴.

3. Paul De Hert and Fisnik Korenica, op. cit. at. 891.

4. Frank Schorkopf, "The European Court of Human Rights' Judgment in the Case of Bosphorus Hava Yollari Turizm v. Ireland", German Law Journal, Vol. 06, No. 09, (2011), at 1263.

5. Kathrin Kuhnert, "Bosphorus – Double standards in European Human Rights Protection, Utrecht Law Review", Vol. 2, No. 2, (2006), at 178.

از یک طرف به الزامات و تعهدات خود بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و از طرف دیگر به تبعیت از برتری قانون اتحادیه اروپا بر قوانین ملی احترام بگذارند و آنها را تضمین کنند و این مساله موجب چالش و ایجاد ریسک می‌شود. آرای همچون بسفروس نشان می‌دهد که تعهدات بین‌المللی ممکن است موجب بر هم خوردن نظام منسجم اروپایی و تحمیل یک وضع دشوار بر دولت‌های عضو شود.

#### ۱-۵. پرونده X. v. Germany: پذیرش ضمنی اصل عدم تفویض

##### مسئولیت کامل از جانب اعضا به سازمان

بر اساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها بعد از عضویت در یک سازمان بین‌المللی همچنان به رعایت سایر تعهدات بین‌المللی از جمله تعهدات حقوق بشری خود ملزم هستند.<sup>۱</sup> در پرونده X. v. Germany که متعلق به اواخر دهه ۱۹۵۰ بود، به همین امر اشاره شد و دادگاه تصریح کرد که زمانی که یک کشور عضو که متعهد به قراردادی شده است، یک توافقنامه بین‌المللی دیگری به وجود آورد که مانع رعایت تعهداتش بر اساس معاهده قبلی شود، همچنان تحت آن پیمان پیشین مسئول است. استدلال اتخاذ شده در این پرونده نشان داد که دیوان اروپایی حقوق بشر مایل نبود که انتقال قدرت از کشورهای عضو به اتحادیه اروپا کاملاً خارج از کنترل آن باشد.<sup>۲</sup>

#### ۲-۵. پرونده M. & Co: عدم معافیت کامل اعضای سازمان در قبال

##### تعهدات حقوق بشری به صرف عضویت در سازمان

یکی از پرونده‌هایی که در آن به دکترین حمایت برابر اشاره شده است، پرونده M. & Co در ژانویه ۱۹۹۰ است. کمیسیون اروپایی حقوق بشر در این پرونده بیان کرد که کشورهای عضو اتحادیه اروپا بعنوان طرف متعهد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نمی‌توانند از تعهدات خود بر اساس کنوانسیون، با ایجاد سازمان‌های بین‌المللی و انتقال قدرت خود به یک سازمان بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا فرار کنند. این پرونده بر این واقعیت تاکید داشت که اگر اتحادیه در حفاظت از حقوق بشر مشابه سیستم کنوانسیون

1. Andrea de Guttry et al., *The Duty of Care of International Organizations Towards Their Civilian Personnel* (Hague: T.M.C. Asser Press, 2018) at 131.

2. Ibid. p 179.

اروپایی حقوق بشر عمل کند، تعهدات حقوق بشری کشورهای عضو اتحادیه اروپا در صورتیکه این کشورها قدرت را به اتحادیه اروپا منتقل کرده باشند، نقض نخواهد شد. بررسی پرونده M. & Co نشان می‌دهد که دیوان با اشاره به حمایت برابر بر دو نکته تاکید می‌کند: اولاً، اتحادیه اروپا حقوق بشر را با مبنای قانونی تضمین می‌کند. دوم اینکه، اتحادیه اروپا از طریق یک دادگاه ویژه یعنی دادگاه لوکزامبورگ یا همان دیوان دادگستری اروپا به دنبال رعایت حقوق بشر است و از این طریق مبنای قانونی و هنجاری خود را تکمیل می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۳-۵. پرونده *Cantoni v. France*: مسئولیت‌پذیری اعضا در قبال نقض تعهدات ناشی از اجرای تصمیمات سازمان

پرونده *Cantoni v. France* در سال ۱۹۹۶ به امکان طرح پرونده‌ای علیه یک کشور به دلیل اقدامات ملی آن کشور در راستای اجرای قانون جامعه می‌پردازد. بر اساس پرونده *Cantoni* دیوان اروپایی حقوق بشر می‌تواند بررسی کند که آیا اقدام ملی (که نشأت گرفته از قانون شورای اروپا است) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض کرده است یا خیر.<sup>۲</sup>

### ۴-۵. پرونده *Mathews v. U.K*: عدم پذیرش تفویض مطلق مسئولیت از اعضا به سازمان

در پرونده *Mathews v. U.K* در سال ۱۹۹۹ دیوان اروپایی حقوق بشر گستره صلاحیت خود را در بررسی و واکاوی قانون جامعه اروپا افزایش داد. تبعه‌های انگلیسی مقیم در جبل الطارق بر اساس تفسیر دادگاه انگلستان از مقررات جامعه اروپا حق شرکت در انتخابات مجلس اروپا را نداشتند.<sup>۳</sup> این مساله مورد اعتراض واقع شد و دیوان اروپایی حقوق بشر اظهار کرد که بریتانیا باید قوانین خود را اصلاح کند تا اطمینان حاصل شود که حق انتخابات آزاد (ماده ۳ پروتکل شماره ۱ کنوانسیون) - که در مورد انتخاب قوه مقننه اعمال شده - در جبل الطارق نیز تضمین شود. دیوان اروپایی حقوق بشر در این

1. Paul De Hert and Fisnik Korenica, op.cit. p. 881.

2. Kathrin Kuhnert, op.cit. at 181.

3. Ibid. p. 183.

پرونده به ضرورت سازگاری قانون اولیه اتحادیه اروپا با حقوق کنوانسیون اشاره کرد.<sup>۱</sup> متیوز<sup>۲</sup> اولین پرونده‌ای بود که در آن دادگاه، نقض کنوانسیون توسط یک کشور عضو اتحادیه اروپا به واسطه قانون اتحادیه اروپا را شناسایی کرد. در پرونده متیوز دادگاه اعلام کرد که کشورهای عضو اتحادیه اروپا، برای نقض حقوق بشر ناشی از قانون اتحادیه اروپا پاسخگو هستند.<sup>۳</sup> پرونده بسفروس به عنوان اقدامی در جهت تطبیق استقلال نظم قانونی اتحادیه اروپا در چارچوب پرونده Matthews قابل توجه است.<sup>۴</sup>

## ۵-۵. پرونده Behrami: مسئولیت اعضا در قبال عملیات حفظ صلح توسط

### سازمان ملل متحد

پس از بسفروس، به نظر می‌رسید که تحت کنوانسیون یک دولت عضو سازمان بین‌المللی دارای مسئولیت کلی برای اعمال و غفلت‌های آن سازمان است و تنها در جایی از این مسئولیت‌رهایی می‌یابد که پیش‌فرض حمایت برابر در آن اجرا شده باشد. با این حال، در پرونده Behrami در سال ۲۰۰۷ دیوان اروپایی حقوق بشر به نکته مهمی اشاره کرد. این پرونده مربوط به مسئولیت برخی از دولت‌های عضو شورای اروپا برای عمل نیروهای اعزامی آنها که بخشی از نیروهای حافظ صلح در کوزوو بودند، است که توسط قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل ایجاد شده بود. علی‌رغم اینکه عملیات حفظ صلح با هدف فرونشاندن مخاصمه انجام می‌شود، اما در طول این عملیات ممکن است نقض حقوق بشر و حتی حقوق بشردوستانه به وقوع بپیوندد که می‌تواند مسئولیت انفرادی یا اشتراکی برای سازمان بین‌المللی و دولت تامین‌کننده نیرو ایجاد کند.<sup>۵</sup> در پرونده Behrami نیز سوال

1. Ibid. at 183.

2. Matthews.

3. Tobias Lock, "Beyond Bosphorus: The European Court of Human Rights' Case Law on the Responsibility of Member States of International Organizations under the European Convention on Human Rights Human Rights", Law Review, Vol. 10, (2010), at 530.

۴. این پرونده در چارچوب خاص الحاق اتحادیه اروپا به کنوانسیون و هم‌پوشانی بالقوه صلاحیت میان دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان دادگستری اروپا قابل بررسی است.

۵. زینب رستمی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در عملیات حفظ صلح، رساله دکتری

دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۹۱)، ص ۶.

این بود که آیا اعمال و فروگذاری‌های این نیروهای اعزامی می‌توانست همچنان به طرفین کنوانسیون برطبق ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نسبت داده شود؟ دیوان اروپایی حقوق بشر اعلام کرد که اعمال و غفلت‌های این نیروهای اعزامی به سازمان ملل مربوط بوده نه به طرفین متعاقد، زیرا شورای امنیت بر آنها کنترل داشته است. بر طبق ماده ۷ پیش‌نویس مواد کمیسیون، رفتار ارگان یک دولت یا ارکان و کارگزاران یک سازمان بین‌المللی که در اختیار سازمان بین‌المللی دیگر قرار می‌گیرند، مشروط بر کنترل موثر سازمان اخیر، عمل او محسوب می‌شود. بعبارت دیگر، دادگاه این پرونده را از پرونده بسفروس متمایز کرد و تصریح کرد که اعمال و فروگذاری‌ها را نمی‌توان به دولت‌های پاسخگو نسبت داد. زیرا در قلمرو آنها و یا به موجب تصمیم مقامات آنها انجام نشده است.<sup>۱</sup>

#### ۵-۶. پرونده Boivin و پرونده Connolly: عدم مسئولیت دولت‌های عضو

##### در قبال تصمیمات دادگاه اداری سازمان

در سال ۲۰۰۸ در پرونده Boivin در برابر ۳۴ دولت عضو شورای اروپا، کارمند یک سازمان بین‌المللی<sup>۲</sup> علیه ۳۴ کشور پاسخ دهنده که عضو آن سازمان بودند از حذف خود از پست سر حسابدار در موسسه خدمات ناوبری هوایی سازمان شکایت کرد. او در شکایت داخلی ناموفق بود. خواهان، درخواست خود را به دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار برد که آن هم ناموفق بود. بر طبق نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، این پرونده با پرونده بسفروس تفاوت داشت. زیرا این دولت‌ها، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در این مساله مداخله نکرده بودند و در نتیجه مسئولیتی نیز نداشتند. دیوان بر این عقیده بود که شکایت خواهان مستقیماً علیه تصمیم دادگاه اداری است و نه علیه اقدام کشورهای خواننده. بر همین اساس و به دلیل اینکه دولت‌های خواننده در عملکرد دادگاه اداری دخالت نداشتند، دادگاه استدلال بهرامی را مورد استفاده قرار داد و این پرونده را غیر قابل قبول تشخیص داد. زیرا اقدام مورد اعتراض نمی‌توانست به دولت‌های خواننده نسبت داده شود.<sup>۳</sup> اساساً همین استدلال در پرونده Connolly نیز مورد استفاده قرار

1. Tobias Lock, op.cit. at 532.

۲. موسسه خدمات ناوبری هوایی Eurocontrol's Institute of Air Navigation Services.

3. Tobias Lock, op.cit. at 532.



گرفت. این پرونده در خصوص یک اختلاف شغلی بین یک کارمند شورای اروپا با شورای اروپا بود. خواهان شکایت خود را به دیوان دادگستری اروپا برد. در دیوان به نفع او رای صادر نشد. در نتیجه پس از آن، او علیه همه کشورهای عضو به دیوان اروپایی حقوق بشر درخواست داد و مدعی نقض ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شد.<sup>۱</sup> همانند پرونده Boivin، دیوان اظهار داشت که در واقع این شکایت علیه تصمیمات دادگاه اتحادیه اروپا است و به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن دخالتی نداشته‌اند. بنابراین دیوان اعلام کرد که شکایت غیر قابل قبول است.

البته از سوی دیگر می‌توان گفت که رویکرد دیوان در پرونده Connolly بر این مبنا که درخواست مطرح شده در این پرونده صرفاً علیه تصمیم دادگاه اداری بوده است، به سختی قانع کننده است. زیرا همین استدلال را می‌توان در بسفروس نیز مطرح کرد. چرا که در این پرونده دادخواست و شکایت، مستقیماً علیه قانون اتحادیه اروپا و یا حتی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که بر اساس آن مقررات جامعه اروپا شکل گرفته است بود.<sup>۲</sup>

#### ۷-۵. پرونده Biret: استفاده از معیار اتخاذ شده در پرونده بسفروس به نفع نظم قانونی جامعه اروپا

پرونده Biret (ECHR, 2009) مربوط به شکایت علیه ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا بود. Biret وارد کننده گوشت گاو از ایالات متحده آمریکا به اتحادیه اروپا بود. در سال ۱۹۸۸ اتحادیه اروپا دو دستورالعمل تصویب کرد که استفاده از نوع خاصی از هورمون در گوشت گاو را ممنوع اعلام کرد. در نتیجه این دستورالعمل‌ها واردات گوشت گاو ایالات متحده به اتحادیه اروپا تحریم شد.<sup>۳</sup> به دلیل این تحریم، شرکت Biret در سال ۱۹۹۵ ورشکست شد. در سال ۱۹۹۸ دادگاه تجدید نظر سازمان تجارت جهانی در این خصوص اعلام کرد که تحریم گوشت گاو آمریکایی با قانون سازمان تجارت جهانی ناسازگار است. بر همین مبنا شرکت خواهان در دیوان اروپایی حقوق بشر طرح دعوا کرد و خواستار جبران خسارات خود از سوی جامعه اروپایی شد. این شرکت در دیوان ادعا

۱. حق دادرسی منصفانه.

2. Ibid. at 537.

3. Ibid. p. 533.

کرد که حقوق مالکیت او که توسط ماده ۱ پروتکل شماره ۱ ضمانت شده، نقض شده است. زیرا اقدامات اتحادیه اروپا مانع تجارت و داد و ستد او شده است. دیوان در این پرونده، معیار اتخاذ شده در بسفروس را به نفع نظم قانونی جامعه اروپا مورد استفاده قرار داد و اظهار داشت که نقض آشکار حمایت از حقوق بشر رخ نداده است و درخواست شرکت خواهان را رد کرد.<sup>۱</sup>

## ۵-۸. پرونده Gasparini: شکایت علیه مکانیسم داخلی حل و فصل

### مناقشات

یکی دیگر از آرای مهم دیوان، پرونده Gasparini در مقابل ایتالیا و بلژیک است (ECHR, 2009). پرونده Gasparini به دلایل مختلف قابل توجه است. اولاً این پرونده، پیش‌فرض مطرح شده در رای بسفروس را به سازمانی فراتر از اتحادیه اروپا گسترش داد. با توجه به اینکه هیچ فرصتی برای مقابله با قوانین کاری ناتو در داخل ناتو وجود ندارد، دادگاه صلاحیت کامل دارد تا بررسی کند که آیا قانون مورد شکایت، موجب نقض کنوانسیون شده است یا خیر. ثانیاً به نظر می‌رسد که قضاوت Gasparini پایه و اساس جدیدی را برای پیش‌فرض بسفروس معرفی می‌کند. دادگاه باید تعیین می‌کرد که آیا دولت متهم هنگام ورود به ناتو با حسن نیت به این نکته توجه داشته است که آیا مکانیسم داخلی حل و فصل اختلافات کاری در تناقض آشکار با کنوانسیون بوده یا نبوده است. این رویکرد در پرونده گاسپارینی نشان می‌دهد که لازم نیست حمایت از حقوق بشر موجود در یک سازمان بین‌المللی در زمان وقوع نقض، برابر با کنوانسیون باشد؛ بلکه معیار این است که آیا در لحظه پیوستن به یک سازمان، طرفین کنوانسیون با حسن نیت رفتار کرده اند یا خیر.<sup>۲</sup> این پرونده مربوط به اختلاف بین سازمان ناتو و یک کارمند به نام گاسپارینی در مورد افزایش حقوق بازنشستگی او در ناتو بود. خواهان شکایت خود را به هیئت تجدیدنظر ناتو اعلام کرد. از آنجایی که جلسات این هیئت عمومی برگزار نمی‌شود، خواهان مدعی نقض ماده ۶ کنوانسیون شد و به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کرد.

1. Ibid. p. 534.

2. Ibid. p. 539.

آنچه در مورد Gasparini قابل توجه می‌باشد این است که رای صادر شده در این پرونده اولین قضاوتی بود که دادگاه در آن به طور کلی، دولت‌ها را برای اعمال یک سازمان بین‌المللی که برخی از اعضای آن عضو کنوانسیون نیستند، مسئول دانست. زیرا امریکا و کانادا عضو کنوانسیون نبودند اما کمبود و نقص مورد ادعا در قوانین ناتو به آنها نیز مربوط می‌شد.<sup>۱</sup> بعبارت دیگر در صورت نقض کنوانسیون، ممکن است دولت‌هایی که عضو آن نیستند نیز به طور غیر مستقیم مسئول شناخته شوند. لازم به ذکر است که دیوان در این پرونده، پیش‌فرض بسفروس را به سازمانی غیر از اتحادیه اروپا توسعه داد.<sup>۲</sup>

#### ۶. ارتباط دکترین حمایت برابر با پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی

در بخش‌های قبلی رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص مسئولیت دولت‌های عضو در مورد اعمال سازمان‌ها مورد بحث قرار گرفت و اکنون این پرسش مطرح است که جایگاه این رویه در حقوق مسئولیت بین‌المللی و به طور خاص در پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی چگونه است. کمیسیون حقوق بین‌الملل معتقد است که دادگاه در پرونده بسفروس، حقوق بین‌الملل عمومی مرتبط با مسئولیت دولت‌های عضو سازمان بین‌المللی را نشان می‌دهد. در خصوص ماده ۶۰ پیش‌نویس مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی،<sup>۳</sup> کمیسیون معتقد است که دولت عضو یک سازمان بین‌المللی در صورتی که سازمان را وادار به انجام عملی کند که اگر توسط خود دولت انجام می‌شد، نقض تعهد محسوب می‌گشت، متحمل مسئولیت خواهد شد. یکی دیگر از مواد پیش‌نویس که در این خصوص می‌توان به آن اشاره کرد، ماده ۶۱ است. بر اساس این ماده، زمانی که یک دولت به وسیله فریب سازمان بین‌المللی از انجام تعهدات بین‌المللی

1. Ibid. p539.

2. Ibid. p540.

۳. بر اساس ماده ۶۰ طرح مسئولیت سازمان‌ها زمانی که یک دولت، سازمان بین‌المللی را به ارتکاب عمل متخلفانه مجبور سازد، مسئولیت بین‌المللی متوجه آن دولت خواهد بود. در صورتی که که اولاً آن عمل صرف نظر از اجبار، عمل متخلفانه سازمان تحت اجبار محسوب شود و ثانياً دولت اجبارکننده با علم به اوضاع و احوال مرتکب چنین عملی شود. نمونه اجبار یک دولت می‌تواند تحمیل فشار اقتصادی و مالی به سازمان باشد. در صورت وقوع اجبار تمام بار مسئولیت بر عهده اجبارکننده خواهد بود.

خود خودداری کند، مسئولیت بین‌المللی برای آن دولت ایجاد می‌شود. در این شرایط نیاز است که اولاً سازمان نیز مانند دولت عضو، در ارتباط با تعهدات بین‌المللی آن دولت صلاحیت داشته باشد، ثانیاً اگر عمل ارتكابی توسط خود دولت فریب دهنده نیز انجام می‌شد نقض تعهد می‌بود و ثالثاً میان عمل سازمان و فریب دولت عضو، رابطه سببی وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>

سوال قابل طرح این است که آیا شرایطی که برای مسئولیت دولت‌های عضو در ماده ۶۰ و ۶۱ بیان شده است همان شرایطی است که توسط دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده بسفروس مدنظر قرار گرفته است؟ بر طبق ماده ۶۰ پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و تمام مقررات بخش پنجم پیش‌نویس در مورد این موضوع، تحقق مسئولیت بین‌المللی نیازمند فعل مثبت دولت عضو سازمان به شکل کمک، معاونت، هدایت و کنترل، اجبار، پذیرش یا دور زدن است.

پیش‌نویس مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌های عضو را تنها به دلیل عضویت صرف‌شان، مسئول نمی‌داند. دادگاه در واقع عقیده دارد که باید یک اقدام مثبت از سوی دولت عضو وجود داشته باشد. دولت‌های عضو تنها زمانی مسئولیت دارند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در اختلاف میان خواهان و سازمان بین‌المللی دخالت داشته باشند. از چشم‌انداز سیاسی و حقوقی، اعطای مسئولیت به دولت عضو در ارتباط با عمل سازمان بین‌المللی بر اساس اقدام مثبت دولت، امری قابل دفاع است.<sup>۲</sup>

در گاسپارینی، دیوان اروپایی حقوق بشر به بررسی این سوال پرداخت که آیا دولت‌های عضو به صرف عضویت‌شان نباید مسئول اعمال سازمان بین‌المللی شناخته شوند؟<sup>۳</sup>

این معیار در پیش‌نویس مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفته است، زیرا این دیدگاه به شخصیت حقوقی جداگانه دولت عضو و سازمان آسیب می‌زند. مسلماً در سطح دیوان اروپایی حقوق بشر، این مسأله با رویکرد دادگاه در راستای معیار حمایت برابر کاهش یافت. با این همه با استفاده از این استاندارد، دادگاه دولت‌های عضو ناتو را

۱. سید فضل‌الله موسوی، ناصر خداپرست، «مسئولیت اعضای سازمان‌های بین‌المللی در پرتو طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۴، (۱۳۹۲)، ص ۱۷۶.

2. Ryngaert, op.cit. at 1017.

3. Ibid. p. 1021.

در گاسپارینی مسئول ندانست. با این حال، رای گاسپارینی راه را برای مسئول شدن دولت‌های عضو برای اعمال سازمان‌های بین‌المللی باز کرد. در عین حال، گرچه با توجه به این که دیوان اروپایی حقوق بشر هرگز یک کشور عضو را برای اقدامات یک سازمان بین‌المللی محکوم نکرده است، این تردید ممکن است وجود داشته باشد که آیا ماده ۶۰ و ۶۱ پیش‌نویس مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، اصلاً در موقعیت‌هایی که دیوان اروپایی حقوق بشر تاکنون با آن‌ها برخورد کرده است، قابل اعمال است یا خیر. حتی اگر یک دیدگاه این باشد که این مواد در پرونده‌های مشابه بسفروس قابل استفاده است؛ با این حال، ابهامات دیگری نیز وجود دارد. در نهایت، به نظر می‌رسد که دولت‌های عضو تنها باید در شرایط خاص، مسئول اعمال سازمان‌های بین‌المللی باشند. این شرایط در زمانی که هیچ عمل مثبتی از سوی دولت قابل تشخیص و شناسایی نیست، وجود ندارد.<sup>۱</sup>

#### ۷. ابهامات موجود در خصوص تزلزل اصل «تفکیک» در پرتو پرونده

##### بسفروس

از آنجایی که پرونده بسفروس یک حرکت نوین در حوزه مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌های عضو آنها محسوب می‌شود، نقاط مبهمی نیز در آن وجود دارد که نظرات متفاوتی در خصوص شان ارائه شده است. اولین مساله مبهم در این پرونده این بود که آیا پیش فرض بسفروس، در جایی که عمل یا غفلت از سوی دولت عضو وجود ندارد و فقط عملی از سوی موسسات اتحادیه اروپا وجود دارد هم اعمال می‌شود؟ همچنین این مساله به طور کامل مشخص نشد که دقیقاً در چه زمانی حمایت تامین شده توسط یک سازمان بین‌المللی، دارای نقص آشکار خواهد بود و بررسی دقیق دیوان اروپایی حقوق بشر چگونه و بر چه اساس خواهد بود؟ یکی دیگر از پرسش‌های مطرح شده این است که آیا دیوان اروپایی حقوق بشر پس از اینکه اتحادیه اروپا به کنوانسیون ملحق شد، همچنان به اجرای معیار بسفروس ادامه می‌دهد یا خیر.<sup>۲</sup>

یک انتقاد مطرح شده نسبت به دکترین حمایت برابر این است که این دکترین نسبت به قانون اتحادیه اروپا مصونیت بسیار گسترده‌ای ارائه می‌دهد. بنابراین شرکت خواهان در

1. Ibid. p. 1017.

2. Tobias Lock, op.cit. at 534.

بسفروس معتقد است که: "درصد قوانین داخلی که در جامعه اروپایی تهیه شده است، قابل توجه و در حال رشد است و مسائلی که در حال حاضر زیر چتر قوانین جامعه قرار گرفته‌اند گسترده و حساس هستند. پذیرفتن اینکه تمام اعمال یک دولت ناشی از تعهد او به جامعه است و در نتیجه ارتباطی به مسئولیت آن دولت در برابر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ندارد، یک خلا غیر قابل قبول در حمایت از حقوق بشر اروپا ایجاد خواهد کرد." بر اساس رای دیوان در پرونده سفروس محدوده دکتترین بسیار گسترده است و شامل تمام اقدامات کشورهای عضو که قانون اتحادیه اروپا را اجرا می‌کنند می‌شود. این مسئله مشکل‌ساز است زیرا مشخص نیست که چگونه مرز میان اقدامات کشورهای عضو که قوانین اتحادیه اروپا را اجرا می‌کنند و اقدامات کشورهای عضو که برآمده از الزامات ناشی از قانون اتحادیه اروپا نیستند، تعیین می‌شود.

اتحادیه اروپا قصد دارد که عضو کنوانسیون شود. با توجه به پیمان لیسبون در مورد پیوستن اتحادیه اروپا به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در مورد پیش‌نویس معاهده الحاق توافقاتی صورت گرفته است. این معاهده تمام جزئیات مربوط به موقعیت اتحادیه پس از ورود به کنوانسیون را مشخص می‌کند. پیش‌نویس معاهده الحاق باید در تمام کشورهای عضو شورای اروپا و نهادهای اتحادیه اروپا تصویب شود. پیمان عضویت اتحادیه اروپا پس از تصویب، تغییرات زیادی را در سیستم کنوانسیون ایجاد خواهد کرد، زیرا اتحادیه اروپا به مانند یک کشور واحد عضو آن می‌شود. پیش‌بینی شده است که پس از ورود اتحادیه به کنوانسیون، دیوان اروپایی حقوق بشر به درخواست‌های علیه اتحادیه اروپا، در صورتی که تمام راه‌حل‌های موجود در نظام قضایی اتحادیه اروپا ناکام مانده باشد، در مدت شش ماه از تاریخی که تصمیم نهایی گرفته شود، رسیدگی خواهد کرد. اگر چنین پیشنهادی در معاهده الحاق ظاهر شود مسلماً نیاز به استفاده از دکتترین حمایت برابر بعنوان یک معیار برای بررسی امکان پذیرش پرونده‌ها از سوی دیوان، از بین خواهد رفت. زیرا دیوان به راحتی قادر به دریافت شکایت‌ها علیه اتحادیه اروپا خواهد بود و دیگر نمی‌تواند درخواست‌ها را بر اساس عدم صلاحیت رد کند. از سوی دیگر شاید بتوان گفت که پیوستن اتحادیه به کنوانسیون به معنای پایان دادن به دکتترین حمایت برابر نیست. میزان پایبندی دیوان به دکتترین، پس از الحاق نشان دهنده میزان استقلال قانون اتحادیه اروپا است. بعنوان یک قاعده نظری، هر قدر دیوان زمان طولانی‌تری به اجرای دکتترین ادامه

دهد، بیشتر احتمال دارد که خودمختاری قانون اتحادیه اروپا پایدار بماند. بر خلاف این، کاهش کامل دکترین حمایت برابر، نشان دهنده کاهش استقلال قانون اتحادیه اروپا نسبت به دیوان است.

### نتیجه گیری

بر اساس پیش‌نویس مواد مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، این سازمان‌ها شخصیت مستقلی از اعضای خود دارند و در نتیجه مسئول اقدامات متخلفانه خود هستند. تنها زمانی که اعضا ممکن است برای تخلفات سازمان مسئول شناخته شوند، زمانی است که به نحوی در ارتکاب آن تخلف نقش داشته باشند. در حوزه مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و اعضای آن، رای بسفروس بسیار حائز اهمیت است. در این پرونده، دیوان اروپایی حقوق بشر به دکترین حمایت برابر اشاره کرده است. دولت‌ها مسئول تعهدات خود هستند و اگر عضو کنوانسیون هستند باید به تعهدات خود بر طبق آن عمل کنند. کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از انتقال قدرت به یک سازمان بین‌المللی منع نشده‌اند. اما در صورت نقض تعهدات کنوانسیون در سازمان بین‌المللی، متحمل مسئولیت خواهند شد. گاهی ممکن است یک دولت به موجب اجرای تعهدات قانونی‌اش که ناشی از عضویت او در یک سازمان بین‌المللی است، ناچار به ارتکاب عملی شود. این عمل ارتكابی از سوی دولت عضو کنوانسیون، زمانی قابل توجیه است که سازمان مربوطه حمایت از حقوق اساسی ذکر شده در کنوانسیون و مکانیسم‌های کنترل رعایت آنها را به طریقی حداقل معادل و برابر با آنچه که کنوانسیون ارائه می‌دهد، مدنظر قرار داده باشد. همانطور که پیش از این اشاره شد، منظور دادگاه از بیان اصطلاح "برابر" به معنای "قابل مقایسه" است. عبارت دیگر نیازی نیست که حمایت‌هایی کاملاً یکسان با کنوانسیون و یا بیشتر از آن ارائه دهد، صرف تلاش سازمان و مشابهت در این حمایت‌ها کفایت خواهد کرد. در نتیجه اگر چنین حمایت برابری توسط سازمان تامین شده باشد، فرض بر این است که کشور متعاقد تا جایی که بیشتر از اجرای وظایف قانونی ناشی از عضویتش در سازمان اقدام نکرده باشد از الزامات کنوانسیون دور نشده است.

هدف دکترین حمایت برابر که در دیوان اروپایی حقوق بشر مورد استفاده قرار گرفت، نظارت بر عملکرد اتحادیه اروپا در حوزه حقوق بشر بود. از آنجاییکه این

سازمان عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیست اما دولت‌های عضو آن به عضویت کنوانسیون درآمده‌اند و از سوی دیگر همواره بر حفظ شخصیت حقوقی مستقل سازمان‌های بین‌المللی تأکید شده است، برای حمایت از افراد زیان دیده در نتیجه عملکرد سازمان‌های بین‌المللی و علاوه بر آن، به منظور جلوگیری از هرگونه سوء استفاده دولت‌های عضو کنوانسیون و فرار آن‌ها از تعهدات‌شان به واسطه عضویت در یک سازمان بین‌المللی، استفاده از دکترین حمایت برابر بسیار موثر و سودمند بوده است. با وجود این تمام تردیدها و ابهاماتی که در خصوص این دکترین وجود دارد، پیوستن اتحادیه اروپا به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شاید بتواند گره‌گشای بسیاری از مسائل و مشکلات مطرح شده در خصوص مسئولیت دولت‌های عضو این اتحادیه و فراتر از آن در حوزه تفکیک مسئولیت اعضا از مسئولیت سازمان بین‌المللی باشد. البته لازم بذکر است که تا به امروز یک سازمان بین‌المللی هم عضو کنوانسیون نبوده است و همواره دولت‌ها اعضای آن را تشکیل داده‌اند و این خود یکی از موانعی است که ورود اتحادیه اروپا به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را دشوار کرده است.<sup>۱</sup>

همچنین در خصوص پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی نیز ابهامات و ایرادات فراوانی مطرح شده است که مسیر تفکیک مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی از دولت‌های عضوشان و علاوه بر آن مساله جبران خسارت افراد زیان دیده از اعمال سازمان‌های بین‌المللی را دشوارتر ساخته است. مواد ۵۸ تا ۶۲ طرح مربوط به مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه سازمان است با این حال کمیسیون حقوق بین‌الملل نتوانسته است در رفع پیچیدگی‌های این مساله به طور موثر عمل کند. در مورد جبران خسارت افراد آسیب دیده از عمل سازمان ابهاماتی وجود دارد، گاهی یک سازمان قادر به جبران خسارت نیست، در چنین شرایطی راه‌حلی که در جهت رفع زیان وارد شده مطرح شده است، ایجاد مسئولیت تضامنی و یا مسئولیت ثانویه برای دولت‌های عضو سازمان بین‌المللی است.

---

۱. در خصوص امکان عضویت اتحادیه اروپا در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی در دکترین مطرح شده است. رک:

EPRS, EU Accession to the European Convention on Human Rights (ECHR) Briefing July (2017), pp. 5-7.



به نظر می‌رسد که باید در پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی با توجه به تفاوت ماهیت دولت‌ها با ماهیت سازمان‌های بین‌المللی تغییراتی اعمال شود تا ابهامات موجود برطرف شود. در خصوص حل مشکلات پیش روی اجرای تحریم‌های شورای امنیت و تعارض آنها با تعهدات حقوق بشر دولت‌ها، راهکارهایی از سوی برخی از حقوق‌دانان ارائه شده است. بر طبق نظر دیوان دادگستری اروپا و دیوان اروپایی حقوق بشر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در اجرای تحریم‌های شورای امنیت باید به نحوی عمل کنند که منجر به نقض حقوق بشر و مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نشود. در همین راستا استفاده از معیار دکترین حمایت برابر می‌تواند راهگشا باشد.

علی‌رغم تمام مباحث مطرح شده، دکترین حمایت برابر در حوزه مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و اعضای آن و به طور خاص در خصوص مسئولیت اتحادیه اروپا و اعضایش، یک معیار نوین و ارزشمند است. زیرا تا زمانی که اتحادیه اروپا عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیست، دیوان اروپایی حقوق بشر می‌تواند از طریق این دکترین بر اجرای حقوق بشر در این سازمان نظارت داشته باشد. بعبارت دیگر، دولت‌های عضو یک سازمان نمی‌توانند از مسئولیت خود با انتقال قدرت به سازمان بین‌المللی مبری شوند. با وجود این، اگر سازمان بین‌المللی از حقوق بنیادین کنوانسیون حمایت برابر با کنوانسیون را ارائه دهد و در این راستا دولت‌های عضو بر این حمایت برابر نظارت داشته باشند، برای اعمالی که در راستای تعهدات‌شان به سازمان مرتکب می‌شوند، مسئولیت نخواهند داشت.

## منابع

### کتاب‌ها

- ابراهیم گل، علیرضا، مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۶).
- حسینی اکبرنژاد، حوریه، شیوه‌های حل تعارض قواعد در حقوق بین‌الملل در پرتو سلسله‌مراتب هنجاری، (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵).

---

۱. جمشید ممتاز، «انطباق تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، فصلنامه حقوق، شماره ۴، (۱۳۸۷)، ص ۳۴۸.

- تاموشات، کریستیان، حقوق بشر، حسین شریفی طراز کوهی، چاپ دوم (تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۱).
- زمانی، سیدقاسم، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ سوم (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵).
- شایگان، فریده، حق توسعه (تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸).

### مقاله‌ها

- آمپاروسان، خوزه جیل، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر»، ترجمه ابراهیم بیگ‌زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره‌های ۲۹-۳۰، (۱۳۷۹).
- تقوی، سید محمدعلی، «رژیم حقوق بشر در اتحادیه اروپایی؛ عدم شمولیت و یکپارچگی»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۱، (۱۳۹۲).
- زمانی، سیدقاسم، حوریه حسینی اکبرنژاد، «افول دکترین نامحدود بودن اختیارات شورای امنیت در آئینه‌ی عروج دیوان دادگستری اروپا»، حقوق تطبیقی جلد ۱۱، شماره ۲، (۱۳۹۴).
- زمانی، قاسم، جعفر زنگنه شهرکی، «تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت حقوقی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۷، (۱۳۹۲).
- عسکری، پوریا، نیلوفر سعیدی، «سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و نظارت بر اجرای حقوق بشر با تأکید بر عفو بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵، (۱۳۹۵).
- ممتاز، جمشید، «انطباق تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۴، (۱۳۸۷).
- موسوی، سید فضل‌الله، ناصر خداپرست، «مسئولیت اعضای سازمان‌های بین‌المللی در پرتو طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۴، (۱۳۹۲).

### پایان‌نامه و رساله دکتری

- رستمی، زینب، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در عملیات حفظ صلح»، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۹۱).

## References

### Books

- A. Wessel, Ramses and Jed Odermatt, *Research Handbook on the European Union and International Organizations* (Edward Elgar Press, 2019).
- C. F. Amerasinghe, *Principles of the Institutional Law of International Organizations*, Second Revised Edition (Cambridge University Press, 2005).
- De Guttry, Andrea et al, *The Duty of Care of International Organizations Towards Their Civilian Personnel* (T.M.C. Asser Press, 2018).
- Voulgaris, Nikolaos, *Allocating International Responsibility between Member States and International Organizations* (Hart Publishing, 2019).
- De Schutter, Olivier, *Human Rights and the Rise of International Organizations: The Logic of Sliding Scales in the Law International Responsabilité*, Accountability for Human Rights Violations by International Organizations (Portland: Intersentia Press, 2010)

### Articles

- Conway Gerard, “Breaches of EC Law and the International Responsibility of Member States”, *European Journal of International Law*, Vol. 13, No. 3, (2002).
- De Hert Paul and Fisnik Korenica, “The Doctrine of Equivalent Protection: Its Life and Legitimacy before and after the European Union’s Accession to the European Convention on Human Rights”, *German Law Journal*, Vol. 13, No.7, (2012).
- Halberstam D., “It’s the Autonomy, Stupid! A Modest Defense of Opinion 2/13 on EU Accession to the ECHR, and the Way Forward”, *German Law Journal*, Vol. 1, (2016).
- Kuhnert Kathrin, “Bosphorus – Double Standards in European Human Rights Protection”, *Utrecht Law Review*, Vol. 2, No. 2, (2006).
- Lock Tobias, “Beyond Bosphorus: The European Court of Human Rights’ Case Law on the Responsibility of Member States of International Organizations under the European Convention on Human Rights Human Rights”, *Law Review*, Vol. 10, (2010).
- Orakhelashvili Alexander, “The Impact of Peremptory Norms on the Interpretation and Application of United Nations Security Council

Resolutions”, The European Journal of International Law, Vol. 16, No.1, (2005).

- Peers S., “The EU’s Accession to the ECHR: The Dream Becomes a Nightmare”, German Law Journal, Vol. 1, (2016).
- Rowe Peter, “United Nations Peacekeepers and Human Rights Violations: The Role of Military Discipline”, Harvard International Law Journal, Vol. 51, (2010).
- Ryngaert Cedric, “The Responsibility of Member States in Connection with Acts of International Organizations: Assessing the Recent Case Law of the European Court of Human Rights, International and Comparative Law Quarterly”, Volume 60, Issue 4, (2011).
- Schorkopf Frank, “The European Court of Human Rights' Judgment in the Case of Bosphorus Hava Yollari Turizm v. Ireland”, German Law Journal, Vol. 06, No. m.09, (2011).

### **Cases**

- Ecthr, Bosphorus Hava Yollari Turizm Ve Ticaret Anonim Şirketi v. Ireland (Application no. 45036/98) Judgment Strasbourg 30 June 2005.

### **Documents**

- Council Regulation (EEC) No 990/93 of 26 April 1993 concerning trade between the European Economic Community and the Federal Republic of Yugoslavia (Serbia and Montenegro).
- Draft Articles on the Responsibility of International Organizations, Yearbook of the International Law Commission, (2011), Vol. II, Part Two